



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

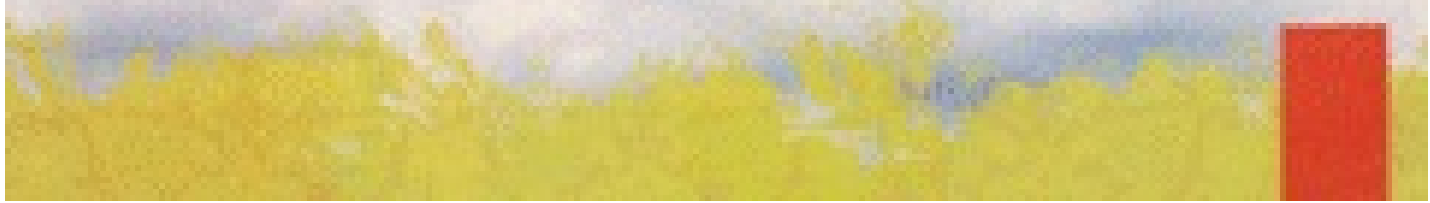
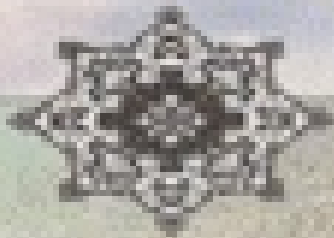


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



الإمام محمد باقر الثاني
عنه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علی مروارید ولایت

نویسنده:

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	علی مروارید ولایت
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۲	پیش گفتار
۱۵	غدیر درخشش نور خداوندی
۱۹	طرحی از غدیر
۲۴	شگفتی های بیعت
۲۸	کیفیت ابلاغ پیام
۳۳	واکنش تعهد آمیز مردم
۳۴	پیشینه پیام
۳۹	نقش و موقعیت غدیر
۴۰	مظلومیت غدیر
۴۱	انتشار خبر غدیر خم و سرنوشت منکرین پیام ولایت
۴۴	تجلی غدیر در قرآن
۵۱	فاجعه سقیفه
۵۶	پیامدهای سقیفه
۵۸	وظیفه ما
۶۰	چهل چشمه نور
۶۰	اشاره
۶۱	راه شناخت خداوند
۶۱	عشق به امامت
۶۳	صفات شیعیان

۶۳	اهمیت عقل
۶۳	دانشجو
۶۵	علم دین
۶۵	نادانی
۶۵	پرسش
۶۵	ترس و امید
۶۷	ترس و امید
۶۷	دعا
۶۷	موانع اجابت دعا
۶۷	ماهیت دنیا
۶۹	پستی دنیا
۶۹	یاد مرگ
۶۹	طلب بخشش
۷۱	یاد خداوند
۷۱	اصلاح درون
۷۱	نیکی
۷۳	ناگواری
۷۳	آزمون الهی
۷۳	اصرار بر گناه
۷۳	دوستی
۷۵	صفات مؤمن
۷۵	محبت خداوند
۷۵	نماز
۷۵	صدقه
۷۷	آرزو
۷۷	کم گویی

۷۷ دروغ

۷۷ گفت و شنود غیبت

۷۹ گمان بد

۷۹ ناامیدی

۸۱ عیوب مردم

۸۱ راز

۸۲ تاریخچه مسجد مقدس جمکران

۹۰ درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: علی مروارید ولایت / تالیف واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، 1377.

مشخصات ظاهری: 78 ص. 5/10 5/18x5 س م

شابک: 964-6705-03-03 بها: 1700 ریال؛ 964-6705-03-03 بها: 1700 ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

یادداشت: چاپ دوم: زمستان 1378؛ 4000 ریال: ISBN 964-6705-03-3

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - ق 40

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: مسجد جمکران. واحد تحقیقات

رده بندی کنگره: 8/ع/BP37/3

رده بندی دیویی: 297/951

شماره کتابشناسی ملی: م 4157-77

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران

فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران

تلفن و نمابر: 0251 - 725334. 7253700

قم - صندوق پستی: 617

«حق چاپ مخصوص ناشر است»

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

پیشگفتار 1

غدیر درخشش نور خداوندی 3

طرحی از غدیر 8

شگفتی های بیعت 13

کیفیت ابلاغ پیام 17

واکنش تعهد آمیز مردم 22

پیشینه پیام 23

نقش و موقعیت غدیر 28

مظلومیت غدیر 29

انتشار خبر غدیر خم و سرنوشت 30

منکرین پیام ولایت 30

تجلی غدیر در قرآن 33

فاجعه سقیفه 40

پیامدهای سقیفه 45

وظیفه ما 47

چهل چشمه نور 49

تاریخچه مسجد مقدس جمکران 71

هنوز نسیم وجود، در کوچه پس کوچه های ذهن خلقت نیچیده بود که علی بوسه بر آستان الهی زده، بر آسمان نشست تا انگشت اشاره او، افق کمال و سیر الی الله را تا بینهایت زمانه برای آدمیان نشانه رود.

و هنوز غواصان بحر عظیم لایزالی به صید گوهر عشق - این نردبان بر آسمان گذاشته - تن معرفت را آبدیده نکرده بودند که علی مروارید نهفته در صدف ولایت، خود صید شد و صیاد؛ قصد شد و مقصود؛ راه شد و منزل.

علی آن یگانه مردی که در میان هزاران نامرد به کمین انسانیت نشسته، در بیابان جاهلیت چون

سروی قد کشید؛ پای بر زمین و دست بر آسمان و خورشید روشنای نگاهش را از دستان قنوت علی می گرفت، آنگاه که او در محراب تمام هستی را پشت سر نهاده، رو به هستی مطلق میکرد و در رکوع عاشقانه اش تمام عبودیت را به پای معبود می ریخت و انگشتریش را به انتظار دستان در راه مانده ای می بخشید .

برگرده تاول زده اش، کوله باری بود لبریز از حکایت و رنج و نامردمی جنایت و گرگ صفتی.... شب ها کوله بارش را بر سر چاهی در حوالی کوفه می نهاد - همان چاهی که قطعه ای از آسمان را در دل تاریک خود دارد - و انبانی از نان و خرما و عشق بر دوش می کشید تا گدای معرفتی را بیابد یا دست یتیمی تنها دخیل بسته بر ضریح مرحمت او. علی مرد استقامت و مقاومت آنقدر مقاوم که پیامبر راز تمام کائنات و سنگینی هدایت عالم و آدم

ص: 2

را در غدیر بر پشت او نهاد و او لحظه ای پای اراده اش نلرزید.

غدیر برکه ای مهاجر بود از ملکوت آنچه مردم از سنگ و آب و خاک می دیدند. تصویرشان در زلال چشم آن برکه بود امام علی خوب میدید که تمامیت دین خدا از حنجره غدیر آواز می شود تا جغرافیای هستی را به او سپارد قبل از آن روز تاریخ سرگردان و حیران در پی جا پای خود بود اما در غدیر خود را یافته و دریافت که باید چشم بر چشم چه کسی داشته باشد .

غدیر لحظه ای از تاریخ نیست که فراموش شود؛ نبض زمان است و حیات تاریخ، حیات طیبه روزگار .

ص: 3

غدیر درخشش نور خداوندی

«غدیر» فقط یک واقعه «تاریخی» نیست. تنها بخشی از «زمان»، یا قطعه ای از «زمین» نیست. «غدیر»، جریان زلال طهارت توحیدی است، در سراسر تاریخ. درخشش نور «هدایت خداوندی» است، در بسیط هستی انسان .

«غدیر»، «فرقان» است میزان سنجش «عبودیت خدا» و «اطاعت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم» است.

«غدیر»، «ادعای نامه ای» علیه همه کثری ها و انحرافات تاریخ «اسلام» و «شکوائیه» ای در اعتراض به همه سرگردانی ها و سردرگمی های «مسلمین» است.

«غدیر» «گواه صادق» رسوایی دنیا پرستانی است، که دین و شرف و زهد و انسانیت را در معبر هواهای نفسانی به قربانی بردند، و «شاهد گویای»

ص: 4

مظلومیت و محرومیت حق پرستانی است، که به عمر یک تاریخ، شکنجه دیدن و فریاد بر نیاوردن را، قربانی شدن و سکوت کردن را، تحمل کردند.

و چه درد آور است، اگر قرار باشد در زمان حکومت غدیر، بازهم سخن از غدیر گفتن - که خود تلاشی صادقانه و خالصانه در جهت توحیدی کردن جامعه است - به بهانه وحدت و حفظ یگانگی با مخالفان غدیر، مکتوم و ممنوع ماند. شهید مطهر، مطهری رحمه الله (1) در این باره می گفت :

«مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علماء و فضلاء مؤمن و روشنفکر اسلامی مطرح است، این نیست که فرقه های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی، از اصول اعتقادی و یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را

ص: 5

1- امامت و رهبری شهید استاد مطهری، صفحه 17 و 18.

کنار بگذارند. چه این کار نه منطقی است و نه عملی.

چگونه ممکن است از پیروان یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلام و مسلمین. از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود آن را جزء متن اسلام می داند را صرف نظر کند؟ در حکم این است که از او بخواهیم به نام اسلام، از جزئی از اسلام چشم بپوشد.

پابند کردن مردمی به یک اصل مذهبی و یا سرد کردن آنها از آن، راه های دیگر دارد، طبیعی ترین آنها منطقی و برهان است. با خواهش و تمنا و به نام مصلحت. نه می توان قومی را به اصلی مؤمن ساخت، و نه میتوان ایمان را از آنها گرفت ما خود شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل بیت علیهم السلام را داریم، کوچک ترین چیزی را، حتی یک مستحب و یا مکروه کوچک را قابل مصلحه نمی دانیم. نه توقع کسی را

ص: 6

در این زمینه می پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت، و به خاطر اتحاد اسلامی، از یک اصل از اصول خود دست بردارند.

آنچه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط «حسن تفاهم» به وجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه و حدیث و کلام و فلسفه و تفسیر و ادبیات داریم، بتوانیم کالای خود را به عنوان «بهترین کالا» عرضه بداریم. تا شیعه بیش از این در حال انزوا بسر نبرد. و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالای نفیس معارف اسلامی شیعی بسته باشد... به هر حال طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود آنچه نباید صورت گیرد، کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه های مخالف را بر می انگیزد».

و غدیر، اصل اساسی آیین ماست، چون ولایت

ص: 7

ما از غدیر سرچشمه می‌گیرد، و ولایت، روح اسلام ناب محمدی است.

طرحی از غدیر

هنوز هم صدای محمد صلی الله علیه وآله وسلم می‌آید، گرم و پر قدرت، مهرآمیز و پرصلابت: (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ).

این حنجره تاریخ است که فریاد رسای او را تکرار می‌کند:

(اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ).

و هنوز هم چهره محمد صلی الله علیه وآله وسلم را می‌شود دید، ایستاده بر منبری از کوهان شتران، درست در وسط غدیر خم. در کنار علی علیه السلام؛ به خورشید و ماه می‌مانند.

از ورای غباری که بر ابروان پرپشتشان نشسته، نور خدا را می‌توان مشاهده کرد که از

ص: 8

چشم های مهربانشان می درخشد.

هر دوه مردم چشم دوخته اند، و خطوط چهره هر یک به خوبی نشان می دهد که به اندیشه ای عمیق فرورفته اند.

علی علیه السلام جوانی که از 32 سال عمر خویش، 23 بهار را در خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است، همراه و همگام با همین مردم گذرانده است. با بسیاری از چهره ها به خوبی آشناست. نگاهشان که می کند، همه خاطره ها برایش زنده می شوند. چگونگی اسلام آوردنشان، مقاومتشان در سال های محاصره، برخوردشان با قریشیان، هنگامه هجرت، صحنه های جهاد، لحظه های ایثار در مقابل دیدگانش جان می گیرند.

هرکس چگونه عمل کرد؟ موضع گیری ها چگونه بود؟ هر کس تا کجا به رضای خدا و اطاعت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم می اندیشید؟ و هرکس در برابر او در

ص: 9

برابر این «علی» علیه السلام که اکنون امامت و پیشوایی همین مردم را از جانب خدا بر دوش خود احساس می کند چه موضعی داشت؟
واکنون چه موضعی دارد؟

و محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیری که اینک پس از گذشت 63 سال از عمر شریفش، سایه مرگ را بر خویش می بیند، با همه این چهره ها آشناست. در درونش احساس غریبی برپا شده، اندیشه جدا شدن از آنها روحش را آزاد می دهد. اینها بعد از او چه می کنند؟ در این میان، نگاه عجیب این چندتن که به فاصله ای نزدیک از یکدیگر، پای منبر او نشسته اند توجهش را جلب می کند. او هر بار از علی علیه السلام سخن گفته است رنگ نگاه اینها تغییر پیدا کرده، و طرحی غریب در خطوط چهره شان به نمایش درآمده که هیچگاه از نگاه تیز بین رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مخفی نمانده است.

ص: 10

راستی اینها پس از او با علی علیه السلام و با امانت های او چه می کنند؟ بی اختیار نگاهش دنبال فاطمه علیها السلام می گردد و وقتی چشمش به حسن و حسین علیهما السلام می افتد، دلش می لرزد و شوری اشک را در گوشه لب های خویش احساس می کند.

مردم همچنان نشسته اند، صدف وار سرتا پا همه گوش، مرواریدوار سراپا همه چشم، صحابه و یاران، مسلمانان قبایل مختلف. با سابقه ها و تازه مسلمان ها، همه چشم به میانه جمعیت دارند. و محمد صلی الله علیه وآله وسلم همچنان دست علی علیه السلام را در دست دارد و مردم را به بیعت با او فرا می خواند .

آنان این دورا در بسیاری جاها باهم دیده اند. در مکه و مدینه، در جنگ و صلح در سفر و حضر، در شادی ها و غم ها محمد صلی الله علیه وآله وسلم و علی علیه السلام، مثل معلم و شاگرد، مثل مرید و مراد مثل دو برادر ، مثل یک روح در دو بدن، مثل تکرار یک شخصیت

ص: 11

در دو شخص، همواره همراه با هم، همپا و هم‌نوای باهم بوده‌اند.

اما این بار صحنه دیگری است؛ نه که این همراهی، این وصیت‌ها و سفارش‌ها، این دعوت به امامت و ولایت علی علیه السلام تازگی داشته باشد.

برای بسیاری از این مردم این صحنه و حتی این دعوت به ایشان چیزی تازه نیست، آنچه که تازگی دارد ابهامی است که این بار در نحوه همراهی، در لحن خطاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و در نحوه نگاه این دو به یکدیگر نهفته است.

گویا محمد صلی الله علیه و آله وسلم می‌اندیشد بدون علی علیه السلام چگونه خواهد رفت؟

و علی علیه السلام می‌اندیشد بدون محمد چگونه خواهد ماند؟

و مردم بین همین «رفتن» و «ماندن» است که به ابهامی شگفت گرفتار آمده‌اند :

ص: 12

این همان محمد صلی الله علیه وآله وسلم است که می ماند - اگر با علی بیعت کردیم -

این حتی علی علیه السلام است که می رود - اگر بیعت را شکستیم -

توده مردم به چگونگی بیعت می اندیشند و سران توطئه به شکستن بیعت .

شگفتی های بیعت

پدیده شکل گرفته در «غدیر خم» از جهات متعدد، قابل تأمل، شگفت انگیز، استثنایی و منحصر به فرد است :

زمان : آخرین سال، بلکه آخرین ماه های زندگی سراسر حماسه و افتخار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و آخرین روزهای واپسین سفر ایشان (حجة الوداع) است، گرماگرم ظهر روز هیجدهم ذی الحجه سال دهم هجری، زمانی که توقف کاروانیان و گرد آمدن

ص: 13

همگان در زیر تابش خورشید سوزانش، حساسیت و کنجکاوی همه آنان را بر می انگیخت.

مکان: صحرایی گسترده و خشک، مقطع حساس از جغرافیای جزیره العرب، بر سر راه های مختلفی که قافله های حج گزاران بلاد مختلف را از یکدیگر جدا می سازد.

حاضران و شرکت کنندگان: (1) حدود صد هزار، از همه طوایف همه شهرهای تحت پوشش حکومت اسلام.

شاید این رسمی ترین اجتماع مسلمانان بود که با دعوت خاص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم صورت می گرفت.

دستور رسیده بود که بمانید تا رفتگان باز پس برگردند، و آنان که هنوز نرسیده اند، به غدیر برسند. همه باید باشند، همه کسانی که باز هم به

ص: 14

1- سیره نبوی، سیّد احمد زینی باب حجة الوداع - المراجعات صفحة 164 .

دعوت منادیان مخصوص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای بهره‌وری از او در آخرین سفر حج، با او همراهی شده بودند. تقریباً هیچیک از اهل بیت و صحابه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و سران و سابقه‌داران و شخصیت‌های قابل توجه مهاجر و انصار، در این اجتماع غایب نیستند.

وضعیت روحی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم: بی‌می‌ناشناخته و هراسی بی‌سابقه سرتاپای وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را فرا گرفته بود که نه به خاطر مصلحتی شخصی یا خطری جانی، بلکه به خاطر مصالح جامعه اسلامی، و خطری اساسی در بنیادهای رهبری حکومت نوپای اسلام، و اندیشه از توطئه‌های منافقانی است که از تهمت زدن به او، و ضربه زدن به باورهای نه‌چندان عمیق مردم، کوچک‌ترین ابایی ندارند.

و از همین روست وعده خداوند برای دلگرم

ص: 15

(وَ اللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (1) - خداوند ترا از شرور مردم در امان نگاه می دارد.

اهمیت پیام : برای کسی که به عنوان آخرین پیامبر الهی، آخرین و کامل ترین جامعه توحیدی را پی ریزی کرده و اینک در رأس استثنایی ترین حکومت، بر پایه وحی، قرار دارد. و آخرین برهه های زندگی خویش را می گذرانند، مهم ترین پیام به آنها که باز می مانند، پیامی در تعیین جانشین و روشن ساختن وضعیت آینده آنان است. اهمیت این پیام آنقدر است که می تواند با تمام پیام های دوران رسالت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و برابری کند. و چنانست که اگر ابلاغ نشود، گویا رسالت الهی ابلاغ نشده است. (2)

ص: 16

1- سوره مائده آیه 67 .

2- اشاره به آیه (67) سوره مائده (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ .)

در خطبه ای که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در ابتدای سخن می خواند نکته های فراوانی است که از آن جمله است.

* خبر دادن از نزدیک شدن رحلت خویش :

(أَيُّهَا النَّاسُ يَوْمَئِذٍ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبُ) (1) - ای مردم نزدیک شد که به لقای الهی فراخوانده شوم و آن را اجابت نمایم -

* اعلام مأموریت و مسئولیت یافتن خود برای ابلاغ پیام :

(وَإِنِّي مَسْئُولٌ) (2) و اینکه به نظر و صلاحدید خود به چنین امری اقدام نمی نماید، بلکه فرمان

ص: 17

1- روایت زید بن ارقم به نقل از طبرانی - صواعق محرقة فصل پنجم از باب اول صفحه 25 .

2- مدرک پیشین.

خداست (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) (1) - ای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آنچه را که بر تو نازل شده است به مردم برسان -

* توجه دادن مردم و تهدید مخالفین نسبت به مسؤولیتی که در پیشگاه خداوند، راجع به ولایت حضرت علی علیه السلام دارند :

(وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ) (2) - و همگی شما در نزد خدا مورد بازخواست قرار می گیرید -

* اقرار گرفتن از مردم نسبت به نقش رسالت: (فَمَاذَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ؟ قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَجَاهِدْتَ وَنَصَحْتَ) (3) - شما چه می گوئید؟ گفتند:

ص: 18

1- اسباب النزول، واحدی صفحه 150 در ذیل آیه 67 مائده آن را از آیات نازل شده در شان حضرت علی علیه السلام در روز غدیر می شمارد.

2- در ارشاد القلوب دیلمی و اسباب النزول واحدی به آیه (وقفوهم انهم مسئولون) عبارت «عن ولایة علی» افزوده شده یعنی: ایشان را ننگه دارید که از آنان درباره ولایت علی علیه السلام سؤال می شود.

3- صواعق محرقة ابن حجر باب اول، فصل پنجم، صفحه 25.

شهادت می دهیم که تو دین خدا را تبلیغ کردی و همواره کوشیدی و خیرخواه ما بودی -

* اقرار گرفتن از حاضرین نسبت به ولایت الهی خویش از مردم :

(أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنِّي أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِّنْ نَّفْسِهِ؟ قَالُوا بَلَىٰ) (1) - آیا شهادت نمی دهید که من از خود هر مؤمنی بر او سزاوارترم؟ گفتند :
چرا شهادت می دهیم -

* اشاره به دو میراث گرانبها و نقش مردم در نگهداری آنها :

(وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْرِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي، أَهْلُ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ) (2)

همانا من دو وزنه گرانسنگ را در میان شما به

ص: 19

1- مسند احمد بن حنبل، جزء چهارم، صفحه 372 .

2- خصایص علوی، نسائی، صفحه 21 المراجعات، صفحه 186.

امانت می گذارم، یکی از آن دو والاتر از دیگری است. کتاب خدا و عترت من خاندان من؛ پس بنگرید که پس از من چگونه با این دو رفتار می کنید؟ این دو امانت از یکدیگر جدایی ندارند تا آن زمان که در حوض کوثر بر من وارد آیند -

* تأکید نهایی بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام :

(ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مُوَلَّيٌّ، وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ، ثُمَّ إِنَّهُ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ) (1) سپس فرمود: خدا مولای من است و من مولا و سرپرست هر مؤمنی هستم. آنگاه دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر کس که من ولی و سرپرست اویم این شخص ولی و سرپرست اوست. -

* دعای پایانی :

(اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ) (2) - خدایا

ص: 20

1- مدرک پیشین .

2- باب مناقب علی علیه السلام از مستدرک حاکم، جزء سوم صفحه 106 . و مدرک پیشین.

هر کس او را دوست بدارد دوست بدار و هر کس را که با او دشمنی می‌ورزد دشمن بدار -

* اصرار بر اینکه همه این امور در مقابل دید همگان صورت گیرد و به گوش همه حاضران برسد :

ابوظفیل می گوید : از زید بن ارقم - یکی از راویان مشهور روایت غدیر - پرسیدم : تو خود با گوش های خود آنچه را گفتی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شنیدی؟ گفت :

(وَاللَّهِ مَا كَانَ فِي دُوحَاتٍ أَحَدٌ إِلَّا رَأَاهُ بِعَيْنَيْهِ وَسَمِعَهُ بِأُذُنَيْهِ) (1) - به خدا سوگند هیچ کس در آن صحرا «غدیر خم» نبود مگر آنکه آنچه را گفتم با دو چشم خود دید و با گوش خود شنید .

ص: 21

1- مدرک پیشین - صحیح مسلم، باب فضائل علی علیه السلام، جزء دوم، صفحه 325 .

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پس از ایراد خطبه و معرفی حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشینی و امامت، از مردم برای او بیعت میگیرد و مردم اعم از زن و مرد، پیر و جوان، کاتبان وحی و توده عوام، همگی با او پیمان وفاداری می بندند، و به دستور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به بیان های مختلف، همنوا با یکدیگر عهد وفاداری را تکرار می کنند و خطاب به حضرت علی علیه السلام رضایت و قبول خود را نسبت به وصایت و خلافت او پس از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ابراز می دارند. بزرگان قبایل و مصاحبان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم - بر طبق معمول - به خدمت او می رسند و با او دست بیعت می دهند.

طبیعی است که در چنان شرایطی، حتی آنان که در نهانخانه دل خود به این انتصاب الهی معترض

بودند، و آمال دیرین خویش را با چنین بیعتی در معرض نابودی می دیدند، باز هم قدم پیش نهاده، با ابراز خشنودی، نقش یاری وفادار را بازی کنند. (1)

پیشینه پیام

ابلاغ پیام ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اگر چه در جمع رسمی و انبوه مسلمین، و همراه با بیعت گرفتن عملی از مردم فقط در غدیر خم، صورت گرفت، ولی از سال ها قبل و به مناسبت های مختلف، و در جمع های گوناگون توسط پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بر آن تأکید شده بود (2). لذا اعلان ولایت در غدیر خم را

ص: 23

1- مسند امام احمد بن حنبل جزء چهارم صفحه 281. « فَلَقِيَهُ عُمَرُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ: هِنِيئاً يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ أَصَّ بَحَتَّ وَأُمْسَيْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ.

2- در کتاب های شیعه و اهل تسنن صدها روایت و حدیث بطور ویژه در مورد ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است: صرف نظر از هزاران روایتی که در مورد فضایل و شئون گوناگون آن بزرگوار یا بطور اعم نسبت به ولایت علی علیه السلام و بقیه امامان نقل گردیده است. طالبین می توانند به کتاب هایی در این زمینه بویژه الغدير علامة امينى، احقاق الحق، بحار الانوار - المراجعات و غيره رجوع نمایند.

می توان اتمام حجتی عمومی و علنی و نهایی بشمار آورد.

در واقعه غدیر نیز آنچه که باعث شد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و در آن گرمای طاقت فرسا، و در آن شرایط دشوار همه مردم را فرا خواند و به ترتیبی که گذشت، امر ولایت و امامت مولای متقیان علی علیه السلام را ابلاغ نماید، نزول آیه 67 از سوره مائده است (1) که نکاتی چند باید در آن مورد تأمل قرار گیرد:

(الف) خطاب با عنوان (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ) - که در

ص: 24

1- وارد شدن این آیه درباره ولایت علی علیه السلام و در روز غدیر در بین شیعه به تواتر ثابت است در کتب اهل تسنن هم دلایل زیادی بر این امر هست از جمله آنان اسباب النزول صفحه 150 ذیل آیه 67 مائده.

تمامی قرآن کریم تنها دو بار و هر دو بار نیز با نگرشی واحد به نقش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم استعمال شده است (1) - بر این نکته تأکید دارد که اراده و خواست رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و در آنچه که بر طبق این آیه مأموریت به ابلاغ آن می یابد دخالتی ندارد. به عبارت دیگر گویا میخواهد به همه معترضان بلکه به همه مسلمانان تذکر فرماید که در انتقال امر ولایت مولا علی علیه السلام و وصایت و امامت او، که به اراده و اختیار و انتخاب خداوند صورت گرفته، حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم با همه عظمتش، تنها یک پیام رسان است - و ما علی الرسول الا البلاغ (2)

(ب) - (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) - فرمانی است قاطع و صریح، نسبت به ابلاغ آنچه که قبلاً از سوی

ص: 25

1- آیه 41 و 67 سوره مائده.

2- آیه 66 سوره مائده (و بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم جز پیام رسانی تکلیفی نیست).

پروردگار بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده است.

در این بخش از آیه تصریح می شود که وظیفه اعلان عمومی ولایت حضرت امیر علیه السلام و اخذ بیعت همگانی بر امامت و خلافت او از قبل بر دوش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم - بوسیله نزول وحی - نهاده شده است، لکن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به جهت ملاحظاتی که در این زمینه داشته و مصالحی که می اندیشیده ادای این وظیفه را به تأخیر می انداخته است - و یا

می خواسته به تأخیر بیندازد زیرا بعید نیست آن وظیفه همان روز بر دوش او گذاشته شده باشد -

(ج) - (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) - یک تهدید است و یک بشارت، یک وعید است و یک وعده یک بیم است و یک امید .

تهدید است به اینکه اگر ولایت علی علیه السلام را اعلام و اعلان عمومی نکردی و بیعت از مردم نگرفتی امر رسالت را به انجام نرسانده و زحمات بیست و سه

ص: 26

ساله خویش را بی ثمر ساخته ای .

و بشارت است به اینکه در صورت ابلاغ تکلیف آنچه را از خطرات حاصله و اتهامات وارده بر خویش و آیین خویش پیش بینی می کنی، همه با اراده خداوند از تو باز داشته می شود .

د) این آیه کریمه اگر چه با چینش حکمت آمیز در بین آیاتی درباره اهل کتاب قرار گرفته و 64 آیه پس از آیه «اکمال دین» زینت بخش سوره مائده گردیده است، ولی به شهادت روایات متعدده - که تعدادی از آنها از طرق اهل سنت نقل شده - ساعاتی قبل از آیه (الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ....) نازل گردیده و بدین ترتیب، ناظر بودن آن به واقعه غدیر خم بوسیله قراین داخلی و خارجی قابل اثبات است.

ص: 27

هیچکس نمی تواند تردید داشته باشد که اجرای امر الهی و سفارش نبوی بر واگذاری ولایت و وصایت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به امیر المؤمنین علیه السلام، سبب مصونیت اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از هر گونه تحریف و انحرافی می توانست باشد. چنانکه عدم اجرای آن، اساسی ترین عامل در دور ماندن مردم از ارزش های اصیل اسلامی، و ایجاد فاصله بین

اسلام رسالت و اسلام خلافت بحساب می آید.

اکنون نیز تردید نباید داشت که با پذیرش واقعیت غدیر، و تسلیم شدن در برابر حقیقت الهی اعلام شده در غدیر، ریشه اختلافات جامعه اسلامی زده می شود. و جلوی بسیاری از انحرافات حاصل شده در فرهنگ اسلامی و منش مسلمین گرفته می شود. چنانکه با عدم پذیرش این

حقیقت و واقعیت اختلاف و انحراف همچنان پا برجا، بلکه رو به افزون خواهد بود.

مظلومیت غدیر

شاید هیچ حادثه‌ای در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام نباشد که به اندازه واقعه غدیر، شاهد عینی داشته باشد، و در قرآن و احادیث - حتی احادیث اهل سنت، که در همین جزوه مختصر نیز غالباً از مدارک آنان استفاده شده است - اینقدر بر آن تأکید شده باشد، و در فرهنگ ادبیات و شعر جامعه اسلامی - از دوران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم تاکنون - به این اندازه تأثیر گذاشته باشد. (1) و از چنان اهمیت و صراحتی برخوردار باشد که دوست و دشمن

ص: 29

1- علامه گرانقدر امینی در کتاب همیشه ماندنی خود الغدیر اشعاری درباره غدیر را از شاعران عهد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام نقل می کند و غنای این اشعار را برخاسته از تأثیر قوی فرهنگ غدیر در جوامع آن دوران می داند.

همه جزئیات و حتی حوادث جنبی آن را تأیید کرده باشند (1)؛ با این همه، به این زودی مورد انکار قرار گرفته باشد، و با این شدت مورد مخالفت واقع شده باشد، و با این وقاحت، به توجیه و تفسیرهای ناروا گرفتار آمده باشد.

انتشار خبر غدیر خم و سرنوشت منکرین پیام ولایت

واقعه ای که توسط بسیاری از تاریخ نگاران صدر اسلام نقل شده و در بسیاری از تفاسیر در ذیل اولین آیه از سوره معارج روایت شده است به مشکلی نمادین، عاقبت انکار ولایت را نشان می دهد:

ص: 30

1- بسیاری از این احادیث حتی به جارو کشیدن زیر درختان و انداختن پارچه بر روی شاخه های درخت بعنوان سایبان و غیره اشاره شده است.

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در روز غدیر مردم را جمع کرده و با گرفتن دست مولا علی علیه السلام فرمود: هر کس که من مولایش هستم علی مولای اوست. خبر واقعه در بین مردم پخش گردید و به بلاد مختلف انتقال یافت شخصی بنام «حارث بن نعمان فهری» چون بر این خبر واقف شد بر شترش سوار شده نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آمد، شتر را خوابانید و پیاده شد - و در حضور مردم با عصبانیت فریاد زد - یا محمد، فرمان دادی که به «لا اله الا الله» شهادت دهیم و تو را رسول الله بدانیم، پذیرفتیم. فرمان دادی که پنج نوبت نماز بخوانیم، پذیرفتیم. به دادن زکات فرمان دادی، پذیرفتیم. به روزه رمضان فرمان دادی، پذیرفتیم. به انجام حج فرمان دادی، پذیرفتیم. با این همه باز هم راضی نشدی، تا اینکه دو بازوی پسر عمویت را گرفتی و دستش را بالا بردی که او را بر ما

برتری دهی، و گفتم: هر کس که من مولایش هستم علی مولای اوست! بگو آیا این کار از تو بود یا از خدا؟ رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در پاسخ فرمود: «بخدا سوگند بخدایی که جز او معبودی نیست این کار براستی از جانب خدای عزوجل بود».

حارث به قصد برگشتن سرشترش را برگرداند در حالیکه می گفت: خدایا اگر آنچه محمد می گوید راست است پس بر من سنگی از آسمان بباران یا عذابی دردناک بر من برسان.

با گفتن این سخن هنوز به مرکبش نرسیده سنگی از آسمان بر وسط سرش فرود آمد و به یکباره او را کشت. و همانجا بود که آیه نازل شد:

(سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ). (1) «آیه 1 تا 3 سوره معارج»

ص: 32

1- تفسیر کبیر ثعلبی در تفسیر سوره معارج - نورالابصار شبلنجی مصری صفحه 11.

در قرآن کریم به صراحت از آنچه در غدیر خم گذشت سخنی به میان نیامده است. اما به شهادت روایات بی شماری که بر شأن نزول آیات قرآنی دلالت دارند، چند آیه از قرآن کریم ناظر به واقعه حسّاس و تاریخ سازی است که در غدیر شکل گرفت. یکی از بارزترین این آیات، «آیه اکمال دین» است که از ناحیه مفسّرین مذاهب مختلفه، بر نزول آن آیه، بلافاصله پس از اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام و بیعت همگانی مردم با آن امام مظلوم در روز غدیر، تصریح و تأکید شده است. اینکه این آیه، تنها بخشی از سومین آیه سوره مائده است و در بین مباحث مربوط به صید و ذباحته قرار گرفته است؛ چیزی را در حکم به اختصاص آن به واقعه غدیر تغییر نمی دهد - و این خود بحثی

مفصل

ص: 33

* در این آیه شریفه بر چهار ویژگی تأکید شده :

ناامیدی کافران از تحریف و نابودی دین، (الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ)

کامل شدن دین اسلام، (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) تمامیت نعمت خداوند بر مسلمانان، (وَآتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي)

رضایت و خشنودی خدا به اینکه اسلام، دین همگان باشد. (وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا).

* ویژگی اول میتواند بخاطر سه ویژگی دیگر پدید آمده باشد، که چون به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام دین کامل شد و نعمت خدا بر بندگانش به قبول ولایت تمام گشت و خداوند

ص: 34

اسلام را بعنوان برترین آیین برای بشر پسندید، دیگر امید کافران قطع، گشت و یأس و ناامیدی بر آنان چیره شد. بر همین اساس است که بدنبال آن می فرماید: «پس از آنان مهراسید و تنها از من بترسید».

شاید به گونه ای دیگر بتوان گفت: اساس، این است که کافران و مشرکان از رخنه در دین شما مأیوس شده باشند، و از آن طرف، تا شرایط دین یا دینداران بگونه ای است که هنوز کافران و مشرکان

را به حضور فعال در صحنه و ایجاد انحراف و تحریف امید هست، دین کمال نیافته، و نعمت خدا تمام نشده، و برای اصل دین رضایتی از جانب خدا نیست .

* در مراد از کلمه «الیوم» که بیانگر روز تکمیل دین و اتمام نعمت خداست، در بین شیعیان، اختلافی وجود ندارد؛ و همگی آن را منحصر در

ص: 35

روز غدیر می دانند. زیرا علاوه بر وجود روایات تردید ناپذیر درباره شأن نزول آیه کریمه ، بر این باورند که هیچ روز دیگری در طول حیات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم وجود ندارد که اوصاف چهارگانه مذکور در آیه، بر آن قابل تطبیق باشد.

تنها روز غدیر است که تجلی غیر قابل انکار ولایت و امامت را در خویش دارد و تنها با ولایت و امامت است که مکتب وحی استمرار می یابد. و خط رسالت ادامه پیدا میکند و پرچم دین پایدار می ماند و راه ایمان و تقوی و عمل صالح، همچون دوران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم همچنان راه زندگی انسان ها خواهد بود. و تنها با اعلان عام ولایت و پذیرش تام امامت است که یأس و ناامیدی بر جان طمع ورزان و کینه جویان می نشیند، و حق استقرار می یابد.

* تعبیر اعجازین (الْيَوْمَ يَسِّرُ الْاَلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

دینکم فلا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ (اسراری پیچیده در خویش دارد .

الف) بیشترین امید کافران و مشرکان به دوران پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود. نقشه داشتند که در فقدان او از کینه های پنهان بهره جویند، و بذر تفرقه را در بین مؤمنان پراکنند، و با استفاده از عدم وجود او، صفوف مسلمانان را در هم شکنند و بنیاد اسلام را بر اندازند. اما اینک با فرمان خدا و نصب امیرالمؤمنین به جانشینی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گویا دشمن، ایمانش را به مرگ ناگزیر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از دست داده و نه فقط راه و روش او را، بلکه حتی خود او را در وجود علی علیه السلام مستقر و مستمر می بیند و دل به یأس می سپارد.

ب) امروز که دشمن بیچاره شده، نباید از او ترسید. اما قبل از این چرا؟ آن زمان که دشمن بیرونی دل به شکست شما بسته بود، و بسیاری از

ص: 37

اهل کتاب دوست می داشتند که شما را از دین و آیین تان به سوی شرک و کفر بازگردانند» (1)

سزاوار بود که از آنان بترسید.

آن زمان که امید به فنای اسلام در جانشان زنده بود. و یأس در وجودشان خانه نکرده بود حق داشتید از آنان بهراسید و باید می هراسیدید که دشمن را کوچک نباید انگاشت و از توطئه هایش ایمن نتوان بود.

ج) با قبول ولایت و امامت امیر مومنان علی علیه السلام، دیگر از دشمن خارجی مهراسید. زیرا او که امیدش را به پیروزی از دست داده یا حسابگرانه می اندیشد و اقدامی علیه شما نمی کند. و یا اگر سبکسرانه به اقدامی دست زند، در مواجهه با شما که امام و پیشوایی - به منزله جان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم - دارید به شکستی قطعی تن در خواهد داد.

ص: 38

1- آیه 109 سوره بقره - آیه 69 سوره آل عمران.

د) نترسیدن از دشمن خارجی و ایمن بودن از صدمات کافران و مشرکان شما را آسوده خاطر نکند زیرا خوفی دیگر در میان است، خوفی از جبهه داخلی، ترسی از توطئه های درونی هراس از باندهای قدرت خانگی، آنها که سال ها برای خالی ماندن صحنه از وجود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نقشه کشیده اند. آنها که سال ها به دنبال کسب و جاهت بوده اند و از همراهی با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و همداستانی با مسلمانان عاقبت اندیشانه بهره ها گرفته و موقعیت های شایسته کسب کرده اند.

و زیباست تعبیر قرآن، که برای برحذر داشتن مسلمین از خطر، اینان به ترس از خدا و خشیت او اشاره می فرماید :

یا از آن جهت که هم توطئه گران را بیم دهد که از خدا بترسند و به فکر توطئه قدرت طلبی و غصب خلافت نباشند، و هم مردم را بترساند که فریب

ص: 39

نخورند و حق حضرت علی علیه السلام را که حق خداست نادیده نگیرند.

و یا از آن جهت که به سنت محتوم خویش اشاره فرماید که: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (1) که اگر قدر نعمت ولایت را ندانستید و با کسی که از طرف خداوند به وصایت و خلافت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نصب شده مخالفت کردید و تنهایش گذاشتید، بترسید که خداوند مسیر نعمت را تغییر دهد و نعمت و عذاب خویش را بر شما نازل گرداند .

فاجعه سقیفه

شاید هرگز کسی تصور نمی کرد که با این همه تأکیدات از جانب خدا بر فضل و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام ، و با اینهمه تصریحات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بویژه در روز غدیر خم به وصایت و

ص: 40

1- آیه 11 سوره رعد.

امامت او، دیگر جایی برای مطرح شدن دیگران، و فرصتی برای غصب خلافت باشد.

بسیار دردناک و در عین حال قابل تأمل است که بین اعلام ولایت و گرفتن بیعت برای امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر خم و ایجاد سقیفه بنی ساعده، و نقض بیعت با او فقط هفتاد روز فاصله است. (1)

هنوز یاد و خاطره شکوهمند روز غدیر در همه خاطره ها زنده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می میرد و هنوز جنازه پاک رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بر زمین مانده است که گروهی به اصطلاح صحابی وفادار و یار غار او تعصب های مرده دوران جاهلیت را دوباره زنده می کنند. سخن از قومیت ها به جای سخن از

ص: 41

1- ماجرای سقیفه همزمان با رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در 28 صفر سال 11 هجری صورت گرفت که فاصله آن از 18 ذی الحجه سال 10 هجری فقط هفتاد روز است.

تقوی می نشیند و سردمداران شرک پنهان، طرح شرکت در خلافت را بین مهاجرین و انصار مطرح می کنند. (1) و بعد با نقشه ای حساب شده از پیش،

ص: 42

1- «سعد بن عباد» بزرگ طائفه خزرج - در سقیفه سخنرانی کرد و مردم را دعوت نمود که زمام خلافت را به دست او بدهند. بعضی مخالفت کردند و سخن از مهاجرین به میان آوردند. جمعی گفتند: می گوئیم یک رئیس را ما انتخاب میکنیم و یک رئیس را شما تعیین کنید. «سعد بن عباد» گفت: «این آغاز سستی و نخستین مخالفت با بیعت است». زمانی که «ابوبکر» توسط عمر از این جریان آگاهی یافت، سختهراسان شد و همراه «عمر» و «ابوعبیده جراح» با شتاب به سقیفه آمد و سخنرانی مفصلی کرد. پس از سخنرانی او حباب بن منذر برخاست و خطاب به انصار گفت: ای گروه انصار امر خود را محکم بدارید که کسی جرئت ندارد با شما مخالفت کند. عمر جواب او را داد و نزاع بالا- گرفت. بشر بن سعد برخاست و گفت: ای مردم، محمد از قریش است و خویشان او به او نزدیک ترند، (ابوبکر) موقعیت را غنیمت شمرد و گفت: «این عمر و این هم ابوعبیده، با یکی از این دو نفر بیعت کنید.» عمر و ابوعبیده گفتند: سوگند به خدا در بدست گرفتن امر خلافت بر تو پیشی نمی گیریم. ابوبکر دست دراز کرد و آمد و با او بیعت کردند و دیگران را به بیعت تشویق کردند. نقل با اندک تصرف از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد 1، صفحه 174 و جلد 6، ص 8 و 10.

به یکباره خلیفه ای ساخته و پرداخته می شود، و تا هنوز مردم از حیرت فقدان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در نیامده و عظمت توطئه را در نیافته اند، به زور یا به رضا برایش بیعت گرفته می شود.

شاید در هیچ تاریخی ثبت نشده باشد که در این هفتاد روز چه وقایعی پشت پرده اتفاق افتاده و چه قراردادهایی بین سران فتنه بسته شده و چه زمینه سازی های معینی و توسط چه کسانی صورت گرفته است، اما آنچه مسلم است اینکه هیچیک از این حرکت ها از نگاه حقیقت بین رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مخفی نمانده، و چاره جویی هایی را در همان ایام به همراه داشته است :

*در دوران مریضی، هنگامی که کثیری از

ص: 43

مهاجرین و انصار در محضر شریف آن حضرت گرد آمده بودند، ناگهان فرمود: «قلم و کاغذی بیاورید تا شما را سفارشی کنم که پس از من به حیرت و سرگردانی گرفتار نشوید.»

عمر قدم پیش نهاد و با تعبیر شکننده و جسارت آمیز (إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ) این مرد هذیان می گوید!! حضار را از اجابت خواسته رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بازداشت. او که خوب می دانست رسول الله وآله وسلم قصد نوشتن چه سفارشی را دارد او را هذیان گو و مهجور خواند. (1)

* زمانی که ابوبکر با استفاده از خبر بیماری پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به جای او در مسجد به نماز جماعت اقدام می کرد پیامبر باخبر گردید و در عین

کسالت در حالی که دو بازویش را گرفته بودند به مسجد تشریف آورد و خود اقامه جماعت کرد.

ص: 44

1- فدک در تاریخ شهید محمد باقر صدر صفحه 126 و صفحه 72.

* اسامه فرمانده جوان لشکر خود را مأمور تجهیز قوا برای دفع حمله رومیان نمود و به چندین نفر از جمله ابوبکر و عمر و عبدالرحمن و گروهی از نزدیکان و طرفداران ایشان امر صریح به همراهی با او صادر کرد و فرمود:

(لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَن جَيْشِ أَسَامَةَ) [\(1\)](#) «خداوند کسانی را که مأمور به همراهی لشکر اسامه هستند و تخلف می‌ورند لعنت فرماید.»

پیامدهای سقیفه

غضب خلافت رسول الله صلی الله علیه وسلم و منع مردم از کتابت احادیث شریفه او و ناتوانی خلفا در اداره جامعه و سکوت بیست و پنج ساله

ص: 45

1- سیره حلبی جلد 3 شرح نهج البلاغه/ جزء اول، صفحه 53 و در بسیاری کتب معتبره آمده است که عمر و ابوبکر جزء سپاهی بودند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به فرماندهی اسامه برای دفاع در برابر رومیان بسوی شام روانه فرمود.

امیر المؤمنین علیه السلام و محرومیت جامعه اسلامی از رهبری الهی او چنان باب انحراف در دین را گشوده و به منحرفین مجال سلطه و سیطره بر جان و مال مردم بخشیده بود که همین علی علیه السلام پس از بدعت ها و شهوت پرستی ها و حیف و میل های عثمان که به قیام مردم و قتل او انجامید، در مقابل هجوم مردم که برای بیعت با آن حضرت گرد آمده بودند مقاومت کرد و از قبول خلافت سر باز زد.

و تازه پس از تحمیل خلافت بر آن مظلوم، چنان به شرور به یادگار مانده از دوران خلافت غاصبان گرفتار شد که لحظه ای از مبارزه با ناکثین و قاسطین و مارقین آسوده نماند و عاقبت با دلی خونین از بی وفایی یاران شربت شهادت نوشید.

اکنون در طی این همه قرن، هرجا مظلومیت و محرومیتی هست و هرجا حیرت و ضلالتی هست و هرجا تحریف و انحرافی در بین مسلمین هست

ص: 46

باید ریشه اش را در سقیفه جستجو کرد.

حتی غیبت حضرت مهدی علیه السلام را که وارث امیر المؤمنین علیه السلام و ادامه دهنده راه اوست بی بررسی سقیفه و آثار آن نمی توان مورد بحث قرار داد.

وظیفه ما

اگر قرار باشد غدیر و پیام غدیر در همه تاریخ اسلام و مسلمین ساری و جاری باشد بر هر مسلمانی در هر عصر - و نیز در عصر ما که عصر امام زمان علیه السلام است - وظیفه و تکلیف است که بیعت خود را با امیر و امامش آشکار کنند. و بر سر این بیعت، از هر چه که دارد حتی از جانش نیز بگذرد.

بیعت کننده با امام زمان علیه السلام از صحنه های خوف و خطر نمی هراسد و در دفاع از اسلام و قرآن از نثار مال و جان دریغ نمی ورزد.
راه

ص: 47

شهیدان را بی رهر و نمی گذارد و امام شهیدان را بی پیرو نمی پسندد. بیعت کننده با امام زمان علیه السلام به دنیا مشغول نمی شود و در زمانی که یادگاران و یادآوران امام زمان علیه السلام یعنی فقیهان مجاهد ایده‌م و در پیشاپیش آنان ولی فقیه حفظه الله عزم رزم دنیامداران دین ستیز دارند سر به بستر عافیت طلبی فرو نمی برد و شهوات خویش را بر اطاعت از امام خود ترجیح نمی دهد .

بیعت کننده با امام زمان علیه السلام از یاد امامش غافل نمی ماند و دعا برای فرج او را از خاطر نمی برد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

ص: 48

1- قال علي عليه السلام: يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ، وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ.

2- عنه عليه السلام: لَا تُدْرِكُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ الْعَيْنُونَ: بِمَشَاهِدَةِ الْأَعْيَانِ لَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ.

3- عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَكَانَ مَعَنَا بِلسَانِهِ وَقَاتَلَ عَدُوَّنَا بِسَيْفِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا.

1 - مهدی علیه السلام خواهش و هوای نفسانی را، به هدایت آسمانی و رستگاری بازگرداند، در آن هنگامی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند. رأی آنان را پیرو قرآن کند، زمانیکه مردم، قرآن را به رأی و اندیشه خود مبدل کرده باشند، و امور را طبق اندیشه نادرست خود انجام دهند.

راه شناخت خداوند

2 - چشم ها هرگز او را آشکارا نمی بینند، اما قلب ها با نیروی حقیقت ایمان، بدو خواهند رسید.

عشق به امامت

3 - هر که ما را با دل و جان دوست داشته باشد و با گفتار و زبان، خود یاری کرده و با دشمنان ما به جنگ برخیزد، او در بهشت با ما و هم رتبه و درجه ماست.

ص: 50

4- عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَأَخْتَارَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَقْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَيَحْزِنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْدُلُونَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَاهُمْ فِينَا فَأَوْلَيْكَ مِثْلَهُمْ مَعَنَا فِي الْجَنَانِ

5- عنه عليه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَأَمَاتَ شَهْوَتَهُ وَأَثَعَبَ نَفْسَهُ لِصَلَاحِ آخِرَتِهِ .

6- عنه عليه السلام: الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ.

ص: 51

صفات شیعیان

4 - هنگامی که خداوند بر زمین نظر فرمود، ما را برگزید. و جهت یاری ما شیعیان ما را اختیار نمود؛ کسانی که در سرور و شادی ما شادمان؛ و در غم و اندوه ما غمگینند؛ در راه ما از جان و مال خویش می گذرند. اینان، از جرگه ما و در بهشت همنشین مايند.

اهمیت عقل

5 - گرامی ترین مردم در بارگاه الهی، کسی است که خرد و اندیشه خود را زنده ساخته و هوای نفس و شهوتش را میرانده است؛ و در راه اصلاح و درستی امور اخروی خویش را به مشقت افکنده .

دانشجو

6 - علم و دانش از مال و ثروت، شایسته تر است؛ زیرا علم نگهبان و حافظ توست ولی در مال و ثروت تو نگهبان او.

ص: 52

7 - عنه عليه السلام : إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَأَهَمَّهُ الْيَقِينَ.

8- عنه عليه السلام: أَلْجَاهِلُ مَنْ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ وَيُقْصِرُ فِي عَمَلِهِ.

9 - عنه عليه السلام: سَلْ تَفْقُهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعَدَّأً.

10 - عنه عليه السلام: أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ .

ص: 53

علم دین

7- هنگامی که خداوند متعال خیر کسی را خواسته باشد، او را فقیه و اندیشمند در دین می کند و یقین را در قلب او می نشاند.

نادانی

8- نادان کسی است که بر آرزوی خویش اعتماد کرده، و در کار و تلاش کوتاهی می کند .

پرسش

9- همواره برای کسب آگاهی پرسش کن ، نه برای آزار و اذیت.

ترس و امید

10- بالاترین مصیبت و گرفتاری ، قطع امید از خداوند است.

ص: 54

11- عنه عليه السلام : إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَتَّسِرْ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَكُنْ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَهُ.

12- عنه عليه السلام: بِالذُّعَاءِ يُسْتَدْفَعُ الْبَلَاءُ.

13- عنه عليه السلام: أَلْمَعْصِيَةُ تَمْنَعُ الْإِجَابَةَ.

14- عنه عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلْبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا.

ص: 55

ترس و امید

11 - هر کدام از شما که می خواهید هر آنچه از خداوند متعال درخواست کند، پذیرفته شود، باید از مردم قطع امید نموده فقط و فقط به خداوند چشم امید دوخته باشد.

دعا

12 - با دعا و زاری به درگاه خداوند، بلاهای آسمانی و زمینی از شما دور می شوند .

موانع اجابت دعا

13 - گناه و نافرمانی، مانع اجابت دعاست.

ماهیت دنیا

14 - هر که خواسته های دنیایی خود را از حد گذرانده باشد، فقیر و نیازمند خواهد مرد.

ص: 56

15- عنه عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهًا وَالسَّمُّ النَّافِعُ فِي جَوْفِهَا.

16 - عنه عليه السلام : مَرَاةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ ، وَحَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَاةُ الْآخِرَةِ.

17- عنه عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ فِي يَدٍ مَجْدُومٍ .

18- عنه عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَتُهُ .

19 - عنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ النَّجَاةُ وَهُوَ الْإِسْتِغْفَارُ.

ص: 57

پستی دنیا

15 - دنیا همچون ماری ست که زیر دست انسان نرم و ملایم است ولی درون آن زهر مرگبار .

16 - تلخی دنیا شیرینی آخرت ، و شیرینی دنیا تلخی آخرت است.

17 - به خدا سوگند که این دنیای شما در دیده من، از استخوان خوکی که در دست فردی جذامی باشد، پست تر و خوارتر است.

یاد مرگ

18 - آنکه بسیار به یاد مرگ و جهان آخرت باشد، کمتر مرتکب گناه می شود .

طلب بخشش

19 - تعجب می کنم از کسی که از بخشش خداوند ناامید شده، با اینکه طلب آمرزش و استغفار راه نجات اوست.

ص: 58

20- عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ جَلَاءُ الصُّدُورِ وَطَمَآنِينَةُ الْقُلُوبِ.

21- عنه عليه السلام: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ .

22- عنه عليه السلام: مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلاَنِيَّتَهُ وَمَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ.

23- عنه عليه السلام: لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَدُكَ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَيَعْظُمَ حِلْمُكَ.

ص: 59

یاد خداوند

20 - یاد خداوند روشنی بخش دل ها و آرام بخش قلب هاست.

اصلاح درون

21 - کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد نمود.

22 - آن که درون و نهان خود را اصلاح کند، خداوند ظاهرش را نیکو فرماید؛ و آن که به کار دینش پردازد خداوند کار دنیای او را درست سازد.

نیکی

23 - خوبی و خوشبختی آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود، بلکه خوشبختی آن است که دانش فراوان گردد و بردباری و صبر، بزرگمقدار .

ص: 60

24- عنه عليه السلام: بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرِكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةَ وَالرَّاحَةُ الدَّائِمَةُ.

25 - عنه عليه السلام: ثَلَاثٌ يُنْتَحَنُ بِهَا عُقُولُ الرِّجَالِ هُنَّ أَلْمَالُ وَالْوَلَايَةُ وَالْمُصِيبَةُ.

26- عنه عليه السلام: مُدَاوَمَةُ الْمَعَاصِي تَقْطَعُ الرِّزْقَ.

27- عنه عليه السلام: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ صَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ .

ص: 61

ناگواری

24 - با ناگواری ها و سختی های شدید این دنیا است، که مقامات بلند و راحت ابدی در نزد خداوند بدست می آید.

آزمون الهی

25 - با سه چیز خرد و عقل مردم امتحان می شود، ثروت، سرپرستی و مصیبت.

اصرار بر گناه

26 - تکرار گناهان باعث قطع روزی می شود.

دوستی

27 - ناتوان ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست عاجز است ؛ و از او ناتوان تر کسی است که دوستان دست آورده را، از دست بدهد.

ص: 62

28- عنه عليه السلام: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْمَوْتُ تُحْفَتُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ.

29- عنه عليه السلام: كَيْفَ يَدَّعِي حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا.

30 - عنه عليه السلام : عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ.

31- عنه عليه السلام: إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَاجِرُوا بِاللَّهِ بِالصَّدَقَةِ.

ص: 63

صفات مؤمن

28 - دنیا زندان مؤمن است؛ و مرگ هدیه ای از جانب خداوند به اوست و بهشت جایگاه او.

محبت خداوند

29 - چگونه کسی که قلبش مالا مال از دوستی دنیاست، می تواند ادعای دوستی خداوند را بکند؟

نماز

30 - نماز را به کودکان خود یاد دهید، و هنگامی که به سن تکلیف رسیدند ایشان را در مورد آن مورد بازخواست قرار دهید.

صدقه

31 - آن گاه که تنگدستی و نیازمندی به شما روی آورد به صدقه دادن، با خداوند تجارت کنید.

ص: 64

32- عنه عليه السلام: أَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمُنَى.

33- عنه عليه السلام: الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

34- عنه عليه السلام: الْكَذِبُ فِي الْعَاجِلَةِ عَارٌ وَفِي الْأَجَلَةِ عَذَابٌ النَّارِ.

35 - عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا تَمَقَّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ وَتُخْبِطُ أَجْرَكَ.

ص: 65

آرزو

32 - شریف ترین بی نیازی وانهادن و ترک آرزوهاست.

کم گویی

33 - سخن و گفتار چو داروست، که کم آن شفابخش و زیاد آن کشنده است.

دروغ

34 - دروغ امروزش ننگ و خجالت و فردایش عذاب اخروی است.

گفت و شنود غیبت

35 - از غیبت برحذر باش، که باعث دشمنی و خشم خداوند و مردم شده و ثمره اعمال خوب گذشته ات را، نابود می سازد .

ص: 66

36- عنه عليه السلام: سَامِعُ الْغَيْبَةِ شَرِيكُ الْمُعْتَابِ.

37- عنه عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ شَيْءَ الظَّنِّ فَإِنَّ سُوءَ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْعِبَادَةَ وَيُعْظِمُ الْوِزْرَ.

38- عنه عليه السلام: لَأَنْوِيسُنْ مُلْبَأَ فِكْمِ عَاكِبٍ عَلَى ذَنْبِهِ خُتِمَ لَهُ بِالْمَغْفِرَةِ وَكَمْ مُقْبِلٍ عَلَى عَمَلٍ هُوَ مُفْسِدٌ لَهُ خُتِمَ لَهُ فِي آخِرِ عُمَرِهِ بِالنَّارِ.

ص: 67

36 - شنونده غیبت شریک جرم غیبت کننده است.

گمان بد

37 - از گمان بد بردن به مردم، برحذر باش که باعث تباهی طاعات و عبادات شده و بارگناهان را سنگین تر می کند.

ناامیدی

38 - هیچوقت گنهکاری را به خاطر گناهش، از رحمت خداوند مأیوس نساز؛ چه بسیارند افرادی که، عادت به گناه داشتند ولی توفیق توبه

و

بخشش خداوند را یافتند و در مقابل چه بسیارند افراد نیکوکاری که، کار نیک خود را به فساد کشیدند و در پایان، عذاب الهی را خریدار شدند.

ص: 68

39- عنه عليه السلام: مَنْ بَحَثَ عَنِ أَسْرَارِ غَيْرِهِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَسْرَارَهُ.

40 - عنه عليه السلام: صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَالْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَالْإِحْتِمَالُ قَبْرِ الْعُيُوبِ .

ص: 69

39 - آنکه از اسرار، پنهان و نهان دیگران جستجو می کند، خداوند اسرار و پنهان او را آشکار و بر ملا خواهد نمود.

راز

40 - سینه خردمند صندوق راز اوست؛ و گشاده رویی دام دوستی و محبت ها؛ و بردباری و صبر گور زشتی هاست.

ص: 70

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه 17 ماه مبارک رمضان سال 393 (و به قولی 373) در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «برخیز و مولای خود حضرت مهدی علیه السلام را اجابت کن که تو را طلب نموده است».

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است آن پیر، حضرت خضر علیه السلام بود که مرا امر به نشستن نمود.

ص: 71

حضرت مهدی علیه السلام مرا به نام خودم خواند و فرمود: برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می کند - بگو این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند.

عرض کردم یا سیدی و مولای لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و گرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند!

آقا فرمودند: «توبرو و آن رسالت را انجام بده ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم. و همچنین نزد سید ابوالحسن یکی از علمای قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است وصول کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید.

به مردم بگو: به این مکان رغبت کنند و آنرا

ص: 72

عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گذارند.

دو رکعت اول : به نیت نماز تحیت مسجد است. در هر رکعت آن یک حمد و هفت بار قول هو الله احد خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند.

دو رکعت دوم : به نیت نماز امام عصر علیه السلام خوانده می شود. بدین صورت که سوره حمد را شروع کرده و آیه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) صد مرتبه تکرار می شود و بعد از آن بقیه سوره حمد خوانده می شود، و سپس سوره (قل هو الله احد) را فقط یک بار خوانده و به رکوع رفته و ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می شود، و پس از آن به سجود رفته و ذکر «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را نیز هفت مرتبه پشت سر هم تکرار می شود. رکعت دوم را نیز به

ص: 73

همین ترتیب می خوانند. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود یکبار گفته می شود «لا اله الا الله» و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صدبار بگوید: «اللهم صلی علی محمد و آل محمد».

آنگاه امام علیه السلام فرمودند: هر که این دو رکعت نماز را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: «بزی در گله جعفر کاشانی است، آنرا خریداری کن و بدین مکان آور و آنرا بکش و بر بیماران انفاق کن؛ هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد».

حسن بن مثله می گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خوانده و به سراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان

مکان شب گذشته رفتیم، در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام حدود بنای مسجد را نشان می داد.

سپس به قم نزد «سید ابوالحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سید مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بن مثله! من در خواب بودم که شخصی به من گفت: «حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و بر قول او اعتماد نما، که سخن او

ص: 75

سخن ماست و قول او را رد نکن» از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم.

سید بلافاصله فرمود تا اسب ها را زین نهند و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله جعفر کاشانی را

دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می آمد، به میان گله رفتیم، همینکه بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تا کنون آنرا ندیده بودم.

به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آنرا ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیة الله علیه السلام شفا یافت.

ابوالحسن رضا؛ حسن مسلم را احضار کرده و

ص: 76

منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد و آن را با چوب پوشانید. سید زنجیرها و میخ ها را باخود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید. (1)

ص: 77

1- به نقل از کتاب نجم الثاقب.

واحد تحقیقات تحقیقات مسجد جمکران آماده پاسخگویی به سؤالات و مشکلات اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، فقهی و اعتقادی شما عزیزان می باشد.

می توانید سؤالات خود را به آدرس «قم - صندوق پستی 617- واحد تحقیقات فرهنگی مسجد مقدس جمکران» ارسال نمایید.

شایان توجه است که مطالب و نامه های عزیزانی که با این صندوق پستی مکاتبه می نمایند. به منزله اسرار ایشان بوده، و در حفظ و نگهداری آنها کاملاً دقت و مراقبت خواهد شد.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران - قم

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

